

اندیشه دینی قاصر کرمانی در نسخه خطی عتاب الغافلین و انعکاس آن در نگاره‌هایی با مضمون نماز

چکیده

عتاب الغافلین، به نظم و نثر، اثر میرزا غلام‌رضای قاصر کرمانی، شاعر عصر بازگشت ادبی است. این اثر محتوی ۳۲۶ رباعی است. رباعیات قاصر کرمانی اغلب سرتیتر دارند و تمامی سرتیترهای رباعیات در فضائل و رذایل اخلاقی هستند. مضامین رباعیات تحت تأثیر اندیشه دینی و مذهبی قاصر قرار دارد و هدف قاصر در رباعیات توجه به جنبه تربیتی و آموزشی در این قالب ادبی است. یکی از مضامین مذهبی در ادب و هنر اسلامی، مضمون نماز است که در نگاره‌های اسلامی نیز مورد توجه بوده است. این پژوهش به روش تحلیل توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که در رباعیات قاصر، کدام قسم از فضائل اخلاقی مورد تأیید است؟ و رذایل اخلاقی کدام هستند؟ در نگاره‌های اسلامی مضمون نماز چه بازتابی داشته است؟ براساس دستاورد تحقیق، در این کتاب میزان پرداخت به فضایل اخلاقی به مراتب بیشتر از رذایل اخلاقی است. در واقع تأکید بر فضائل اخلاقی، خود به خود منجر به رد و نکوهش رذیلت‌ها می‌شود. آبشخور تعلیم اخلاقی قاصر کرمانی دین و تعلیم الهی است، لذا هدف نظام اخلاقی قاصر کرمانی یک نظام دینی است؛ از این رو شاعر کوشیده است تا جهت تبیین بهتر مفهوم اندرزی و حکمی رباعیات در ذهن مخاطب به آیات قرآن و احادیث نبوی استشهاد کند. مضمون نماز به عنوان یکی از مهم‌ترین مضامین دینی و اخلاقی اسلامی در نگاره‌های اسلامی بازتاب روشنی داشته است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اندیشه دینی قاصر کرمانی در نسخه خطی عتاب الغافلین.
۲. بررسی اندیشه دینی قاصر کرمانی در نماز با تأکید بر نگاره‌های اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. اندیشه دینی قاصر کرمانی در نسخه خطی عتاب الغافلین چگونه است؟
 ۲. جایگاه نماز در مضامین نگاره‌های اسلامی چگونه است؟
- کلیدواژه‌ها:** رباعی، فضائل اخلاقی، تربیت دینی، قاصر کرمانی، عتاب الغافلین.

مقدمه

بیان و ترویج اصول اندرزی و اخلاقی در ادوار مختلف شعر فارسی در بسیاری از آثار طراز اول ادبی هدف اصلی شاعران بوده است. «ادبیات تعلیمی سعی در ارتقاء و اعتلا و پرورش روح انسانی دارد و هدف غایی آن نیز نیکبختی و خوشبختی نوع انسانی است و مخاطب این افکار و مفاهیم نیز نوع بشر در طول تاریخ است نه خطابی شخصی و منحصر به فرد» (یلمه‌ها، ۱۳۹۳: ۸۱). در گستره ادبیات تعلیمی، سخن از آموزش و تعلیم، آموختنی‌ها و گفتنی‌هاست. «موضوعات ادب تعلیمی، ممکن است دین و مذهب، اخلاق و سیاست، علم و فلسفه و جز آن‌ها باشد» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۲۱۲) با اینکه، امروزه تقسیم‌بندی ادبیات به تعلیمی و غیرتعلیمی پذیرفته شده، اما هیچ متن ادبی‌ای عاری از تربیت و تعلیم نیست، «تمامی آثار خوب ادبی نکته‌ای آموزشی دربردارند». بخش مهمی از محتوای آثار ادبی در زبان فارسی، به تبیین آموزه‌های تعلیمی اختصاص دارد (گورین و دیگران، ۱۳۷۷: ۴۸). ادبیات تعلیمی اثری است که دانشی را برای خواننده تشریح کند یا مسائلی اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد، البته ادبی بودن اثر تعلیمی مقول بالتشکیک است؛ یعنی در آثاری، عناصر و مایه‌های ادبی کمتر و در آثاری بیشتر است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۴۷). در کلام تعلیمی نوابغ شعر و ادب فارسی، همه‌جا از صداقت و امانت، درستی و راستی، عشق و وفاداری سخن گفته شده و وحدت و نوع دوستی و یگانگی را جست‌وجو کرده‌اند (حسینی کازرونی، ۱۳۸۸: ۹۹). به بیان دیگر می‌توان گفت: «ادبیات فارسی گنجینه‌ای است که ما را در فهم بسیاری از مفاهیم تربیتی و اخلاقی یاری می‌کند. بزرگان عرصه شعر و ادب، راه و رسمی را به ما آموخته‌اند تا بتوانیم در پرتو آن زندگی بهتری داشته باشیم» (جعفری، ۱۳۹۱: ۴۷).

اندرزها و آموزه‌های تعلیمی، در قالب‌ها و صورت‌های گوناگون نمایان می‌شود که هم شعر و هم نثر را شامل می‌شود. یکی از متداول‌ترین شیوه‌ها برای بیان این مؤلفه‌های تعلیمی، بیان مسائل اخلاقی در قالب رباعیات تعلیمی و حکمی است. شاید به همین دلیل است که ادبیات تعلیمی از همان آغاز، استفاده از رباعیات را مدنظر قرار می‌دهد و نقش رباعی در ادبیات تعلیمی بسیار برجسته است؛ زیرا این امر سبب جلب توجه و لذت خواننده و تأثیر و نفوذ معنا در او می‌شود. بُعد اندرزی در رباعیات قاصر کرمانی بسامد بالایی در کل رباعیات وی دارد. کاربرد قالب رباعی در بیان آموزه‌های اخلاقی قاصر کرمانی به بهترین وجهی شاکله می‌پذیرد و او را در رسیدن به اهداف تعلیمانه‌اش یاری می‌رساند.

در سایت نورمگز ۵۷ مقاله درباره رباعیات منتشر شد که اغلب درباره رباعیات خیام، عطار، مولوی، ابن‌یمین، کمال الدین اسماعیل، عرفی، شیخ بهایی و دیگر شاعران زبان فارسی است. تاکنون درباره رباعیات قاصر کرمانی مقاله یا کتابی منتشر نشد، اما در چند اثر اشاره‌ای کوتاه به نام قاصر کرمانی شده که به ترتیب سال نشر به شرح زیر است: دانش پژوه، در کتاب فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در سال ۱۳۴۸ توسط دانشگاه تهران منتشر شد، نام این اثر را ذکر کرده است. منزوی، در کتاب فهرست نسخه‌های خطی که در سال ۱۳۴۸ توسط مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای در تهران منتشر شد، به معرفی کوتاه و نام این اثر اشاره کرد.

راشد محصل در کتاب «نام شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی» که در سال ۱۳۸۹ توسط شرکت به نشر آستان قدس رضوی نشهد منتشر شد به معرفی کوتاه قاصر کرمانی پرداخته است. رامرد و همکاران در سال ۱۳۹۲، مقاله‌ای را با عنوان «منظومه‌های حماسی عاشورایی مقامات حسینی منشی بمرودی و نسخه‌های خطی آن» در مجله پیام بهارستان منتشر کردند، در این مقاله اشاره‌ای کوتاه-درحد دوسه سطر- به قاصر کرمانی شده است. زرنگ و

همکاران، در مقاله «ذکر حسین ع در حماسه‌های دینی با نگاهی به حمله حیدری راجی کرمانی» که در سال ۱۳۹۸ در مجله زیبایی‌شناسی ادبی دانشگاه آزاد اراک چاپ کردند. اشاره‌ای کوتاه-در حد یک سطر- به نام قاصر داشتند. تاکنون دربارهٔ رباعیات نسخه خطی عتاب‌الغافلین مقاله‌ای نوشته نشد و پژوهش حاضر می‌تواند فتح بابی در این زمینه باشد. در این تحقیق از روش اسنادی کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

نتیجه‌گیری

اندرز تجربهٔ گذشتگان است که برای انتقال به آیندگان بازگو می‌شود و به سبب درون‌مایه آموزشی خود رهنمودی برای مخاطبان به‌شمار می‌آید. قاصر کرمانی به تمام معنا خداترس و از بند هوی و هوس رسته بوده و جای‌جای رباعیاتش با عشق به حق و کمال معرفت آمیخته و مزین شده است و همچنان که در رباعیاتش مشاهده گردید همیشه ترس از عاقبت و روز قیامت و یوم‌الحساب در وجودش شعله می‌کشیده است. بی‌گمان این خوف از آنجا ناشی شده که او همواره حضرت حق را با تمام وجودش احساس می‌کرده است و این ترسی است که از معرفت سرچشمه گرفته است. قاصر کرمانی «حرص و طمع» در مال دنیا را مذمت می‌کند و قناعت را می‌ستاید. وی همچنین بی‌اعتباری دنیا را چنان با جان و دل دریافته است، که تأثیر این مسئله را در اغلب ابیاتش به روشنی می‌توان دید. او گاه پا را از این هم فراتر گذاشته و در یکی از جملات زیبایش می‌گوید: هرچه که انسان برای رضایت نفسش قبول کند، دنیاست و باید از آن پرهیز کند. وی گاه از این همه تلاش بیهودهٔ انسان که باید نتیجه آن را برجای بگذارد و از این ملک فانی برود. قاصر کرمانی به علایق مادی دنیوی بی‌اعتنا است، زیرا تنها با ترک دنیا و علایق دنیایی و با زهد و ورع است که می‌توان مقامات الهی را طی کرد. وی به مظاهر دنیای مادی بی‌توجه بوده است؛ چنانکه در چند رباعی این امر را متذکر می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد مضمون نماز به‌عنوان یک مضمون دینی و تربیتی در نگرانه‌های اسلامی متعددی مورد توجه قرار داشته است.

منابع و مآخذ:

قرآن کریم

- آیتی، محمدحسین. (۱۳۷۱). بهارستان. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ابن شعبه. (۱۳۶۳). تحف‌العقول عن آل الرسول، قم: چاپ علی‌اکبر غفاری.
- تاکی، مسعود. (۱۳۸۱). چارجوی بهشتی (رباعی و دوبیتی دیروز و امروز)، تهران: چشمه.
- جعفری، حمید. (۱۳۹۱). «بررسی مفاهیم در دیوان صائب تبریزی». فصلنامه تخصصی علوم ادبی، ش ۴، ۷۳-۳۸.
- حسینی کازرونی، سید احمد. (۱۳۸۸). پژوهشی در ادبیات غیر جد، چاپ اول، تهران: ارمغان.
- حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۹۵). تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران: پیام نور.
- چیتیک، ویلیام. (۱۳۸۹). درآمدی بر تصوف. ترجمه: محمدرضا رجبی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.

- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران: چاپخانه مجلس و دانشگاه تهران.
- رادمرد، عبدالله و همکاران. (۱۳۹۲). «منظومه‌های حماسی عاشورایی مقامات حسینی منشی بمرودی و نسخه‌های خطی آن». مجله پیام بهارستان. دوره ۲، شماره ۲۰، ۳۸-۱۱.
- راشد محصل، محمدرضا. (۱۳۸۹). نام شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی. مشهد: شرکت به نشر آستان قدس رضوی.
- راشدی، لطیف و سعید. (۱۳۸۶). نهج‌الفصاحه. قم: ام ابیها.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. (۱۳۸۶). مفردات الفاظ قرآن و اخلاق، ترجمه: مصطفی رحیمی‌نیا، تهران: انتشارات سبحانی.
- رجایی بخارایی، احمدعلی. (۱۳۷۵). فرهنگ اشعار حافظ، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی.
- رحیمی اصفهانی، غلامحسین. (۱۳۶۸). اخلاق اسلامی، ج ۲، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۷۵). تصحیح نزهة‌المجالس تألیف جمال خلیل شروانی، تهران: علمی.
- ژنده‌پیل، احمدبن‌ابوالحسن. (۱۳۵۰). انس التائبین و صراط الله المبین، جلد ۱، تهران: علی فاضل.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۶۰). از خاک تا افلاک (سیری در غزل‌ها و ترانه‌های مولانا)، تهران: چاپخانه تابش.
- سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۶۴). عوارف‌المعارف، ترجمه ابومنصور عبدالمومن اصفهانی، باهتمام قاسم انصاری، تهران: علمی فرهنگی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). موسیقی شعر، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). انواع ادبی، چ دوم، تهران: فردوس.
- (۱۳۷۴). سیر رباعی در شعر فارسی، تهران: فردوس.
- غزالی، محمد. (۱۳۷۸). کیمیای سعادت، ترجمه و تصحیح: حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
- فوشه‌کور، شارل هانری. (۱۳۷۷). اخلاقیات. (مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری). ترجمه محمد علی امیرمعزی و عبدالمحمدرح بخشان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قاصر کرمانی (بدون تاریخ) عتاب الغافلین. شماره مدرک کتابخانه مجلس: IR۱۰-۲۹۰۰۸. شماره بازیابی: س ۸۳۲
- گوردین، ویلفرد؛ ویلینگام، جان؛ لیبر، ارل و لی، مورگان. (۱۳۷۷). راهنمای رویکردهای نقد ادبی، ترجمه زهرا مهین‌خواه، تهران: اطلاعات.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر.
- منزوی، احمد. (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.

نشاط، سید محمود. (۱۳۴۲). زیب سخن یا علم بدیع فارسی، تهران: چاپخانه رنگین.

نصر، سیدحسین. (۱۳۵۲). سه حکیم مسلمان. ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

نهج‌البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. تهران: زهد.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۳). فنون بلاغت و صناعت ادبی. تهران: هما.

یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۳). «دو شاعر با یک تخلص. عرشی یزدی و عرشی اکبرآبادی». مجله فنون ادبی، دوره ۶، شماره ۱، ۷۱-۸۰.